

سير تحقيق قانون وقانونيت طى سده اخير

مؤلف:

عبدلوسع غفارس

سال 2020

بخش ششم
سیر تحقق قانون در دوره سردار محمد داود
(اولین ریاست جمهوری)
سرطان ۱۳۵۲ الی ثور ۱۳۵۷ هجری شمسی
جولای ۱۹۷۳ الی اپریل ۱۹۷۸ میلادی

سردار محمد داود در سال ۱۲۸۸ هجری شمسی در شهر کابل تولد و تحصیلاتش را در رشته نظامی به اتمام رسانید و در پستهای وزارت دفاع و صدرات ایفائی وظیفه نمود. اما نسبت اختلافات در فامیل شاهی از یست صدرات مستعفی گردید.

محمد داود شخص مردم دوست، وطنپرست و دارای افکار ناسیونالیستی بود. موصوف با درک از جامعه و مردم خویش، علاقه واراده به ارتقاع سطح آگاهی، دانش، زنده گی مردم، رشد، ترقی و پیشرفت وطن تحت نظر و افکار خودش داشت.

احساس وطنپرستی موصوف را واداشت که به خاطر تحقق امیال، آرزوها و حصول قدرت بعد از استعفایش و بخصوص روحیه ماده ۲۴ قانون اساسی سال ۱۳۴۳ هجری شمسی که: اعضای خانواده شاهی که محمد داود نیز جزآن خانواده بود، بر علاوه شمولیت در احزاب سیاسی، در پستهای صدرات، وزارت، شور و عضویت ستره محکمه نمیتوانست ایفای وظیفه نماید، داخل اقدام شود. همان بود که با نظر داشت رشته و شناختی که در اردو داشت کار پیگیر را در بین قوای مسلح شروع نمود و با ابراز علاقه به افکار چپ، همکاری سازمانهای سیاسی را جلب و زمینه سقوط رژیم شاهی را با کودتای نظامی فراهم نمود و اولین نظام جمهوری را در افغانستان ایجاد کرد.

محترم میر محمد صدیق فرهنگ درباره محمد داود مینویسد که: « سردار محمد داود از جمله اشخاصی بود که در زندگی هرگز به مقام درجه دوم راضی نمیشد و ترجیح میداد که شخص اول در قریه باشد تا شخص دوم در کشور».

درک و برداشت محمد داود از شرایط عینی و ذهنی جامعه، ضمن توضیح به محترم عبدالحمید مبارز یکی از مبارزین کشور بعد از رهائی اش از زندان، برایش چنین گفته بود که: (برادر، شما در هر نقطه افغانستان که بروید کسی سخن شما را قبول نمیکند و اگر یک ملا برود، گپ او را قبول میکنند بناءً شما اول بگذارید که کشور توسعه اقتصادی بیاید، یک روشنی در مملکت بیاید، بعد از آن پروگرام تان را روی دست بگیرید.)، سبب گردید تا بعد تاسیس نظام جمهوریت سیاست نسبتاً مستبدانه را اتخاذ نماید، چرا که در آن شرایط از یک طرف اکثریت هموطنانما از نعمت سواد بی بهره بودند و از جانب دیگر ملانماها بخاطر منافع شخصی و منافع کشورهای که آنان را اجیر نموده بود، در تلاش شتوشوی مغزی

هموطنان ما جهت تحقق اهداف بیگانه گان بودند، تا سد راه ترقی و پیشرفت افغانستان گردند و باتبلیغات مغرضانه ذهنیت هموطنان عزیز را که اکثریت شان از نعمت سواد بی بهره بودند در برابر دموکراسی خراب نموده، دین و مذهب را وسیله ابزاری جهت منافع شخصی و مفتخواری خویش قرار دهند و باتغیر ذهنیت اکثریت مردم در جامعه عقب نگهداشته شده کشور ما (عنعنه و سنن قبیلوی، دینی و مذهبی در جامعه حاکم بود) دموکراسی را به انارشی مبدل کنند. بغاوتها علیه رژیم: (اختشاشات در ولایات و شهرهای مختلف کشور از بدخشان الی پنجشیر، به کمک استخبارات پاکستان براه انداختند)، گرچه با شکست مواجه گردید اما فضا کشور را مکرر ساختند.

محمد داود در نخستین اعلامیه رادیویی، انگیزه کودتا و تصمیم جایگزینی نظام خویشرا چنین توضیح داد: « ده سال پیش یعنی سال ۱۳۴۱ من برای سعادت آینده وطن خود جز قایم ساختن دموکراسی واقعی و معقول که اساس آن بر خدمت به اکثریت مردم افغانستان استوار باشد، راه دیگری سراغ نداشتم و ندارم... نتیجه آن شد که آن امیدهای دیرینه و آرزوهای نیک به دموکراسی قلابی که از ابتدا تهداب آن بر عقده ها و منافع شخصی و طبقاتی، برتقلب و دسایس بردروغ، ریا و مردم فریبی استوار گردیده بود، نظام مردم به انارشیزم، و رژیم سلطنت مشروطه به یک رژیم مطلق العنان مبدل شد.»

در اولین اقدام بعد از سرنگونی نظام شاهی، بعضی حقوق و آزادیهای مردم را محدود ساخت از جمله قانون اساسی، لغو پارلمان، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و برخی ساختارهای دهه دموکراسی را بوسیله فرامین لغو نمود. مطبوعات غیر دولتی ممنوع شد. روزنامه جمهوری جهت پخش اجرات، نظریات و اهداف دولت به نشرات آغاز کرد. یکتعداد مخالفین خود را که میخواستند علیه نظام فعالیت نمایند تحت عناوین مختلف زندانی نمود.

طور مثال مولوی سیف الرحمن وکیل شینوار که توسط نظامیان به اتهام جاسوسی برای پاکستان گرفتار شده بود، اتهام جاسوسی را رد و ارتباطش را به پاکستان با تدارک کودتا به اشتراک محمد هاشم میوندوال، خان محمد خان و عبدالرزاق خان بیان نمود و اشخاص متذکره تحت توقیف قرار گرفتند، از جمله میوندوال در زندان بعد از چهل و هفت روز تحت نام خودکشی ازین رفت. (در زمینه ازین رفتن میوندوال مخالفین رژیم و دولتمردان در جهت منافع خود تبلیغات مختلف و متنوع دارند).

محمد داود در اوایل تصاحب قدرت با تفاهم همکارانش، طرح یکسلسله برنامه های اصلاحی در جهت ایجاد تغییرات اساسی در زندگی مردم اقدام نمود. مردم از تاسیس رژیم جدید در کشور استقبال و حمایت کردند و امیدوار به پیشرفت و ترقی شدند.

باردیگر درباره سبب و دلیل کودتا چنین گفت: «برادران عزیز! چرا در کشور ما انقلاب شد. البته هیچ چیزی بی سبب و بی دلیل نبوده، دلایل آن به هر فرد افغان معلوم است که عبارت از فساد اداری و بی عدالتی های اجتماعی و دیگر بدبختی ها بوده است.»

بر علاوه محمد داود نظام جمهوری خویش را موافق با روحیه حقیقی اسلام یاد نمود. نظام جمهوری در اوایل تعدادی از زندانیان سیاسی را آزاد کرد، ترفیعات فوق العاده در اردو، از جمله خورد ضابطان اردوی را به رتبه دریم بریدمن ارتقا داد.

محمد داود دربیانیه معروف خود "خطاب به مردم" پالیسی دولت را در بخشهای مختلف از جمله ضرورت اصلاح معارف یاد کرده و محو بی سوادی را وعده داد. اعمار مکاتب و مؤسسات تعلیمی و بلند بردن سطح تعلیمی و تحصیلی را که جزئیات آنها حکومت قبلی بود عملی کرد. همچنان در زمینه بهتر شدن وضع زنده گی دهاقین و محو فیودالیزم، اصلاحات ارضی را روی دست گرفته، کارسروی اراضی آغاز گردید طبق آن زمینداران میتوانند: (پنجاه جریب زمین ملکیت خویش را نگهداشته و مازاد آنرا به دولت در بدل پرداخت پول به اقساط، باید تسلیم نماید...) ضمن سایر اقدامات اقتصادی و انکشافی طبق پلانهای هفت ساله، یکی هم اقتصاد رهبری شده و از آن جمله ملی ساختن بانکها و صنایع بزرگ بود که در مواد (۱۳ الی ۱۹) قانون اساسی تسجیل یافته بود. گرچه تعداد از سرمایه داران و زمینداران بزرگ رابه تشویش انداخت، اما مردم و طبقه روشفکر کشور ازین اقدام نیک استقبال نمودند.

کار ارزشمند دیگری این دوره، طرح و تصویب قوانین در عرصه ها مختلف جامعه بود که در یکصد و پنجاه شماره جریده رسمی شماره های (۲۲۴ الی ۳۹۵)، قوانین، فرامین، لوایح، مقررات، اساسنامه ها و سایر اسناد تقنینی جهت ایجاد حاکمیت قانون در جامعه نشر، و مردم از آن مطلع گردیدند از جمله: قانون جزا در سه جلد شامل (۵۳۲) ماده، قانون مدنی در چهار جلد شامل (۲۴۱۶) ماده، قانون مامورین و قوانین تصدیهای دولت، ثبت و احوال نفوس، و ارسای عرایض، اصلاحات ارضی، قانون اساسی، مالیه مترقی، ترانسپورت و ترانزیت بین المللی، ترافیک جاده، پولیس و ژاندارم، کمرکات و دهها قوانین دیگر بود. قانون اساسی رژیم محمد داود مصوب (۲۵ دلو ۱۳۵۵ هجری شمسی) که در سیزده فصل شامل (۱۳۸) ماده بود، نظریه قوانین اساسی گذشته افغانستان بعضی تفاوتها داشت: در فصل اول هدف قانون از مواد (۱ الی ۱۲) توضیح شده که طبق:

ماده اول: دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی.

ماده دوم: اجرای قدرت توسط مردم که اکثریت آنان را دهقانان، کارگران، منورین و جوانان تشکیل میدهند.

ماده سوم: تحکیم اتحاد فکر و عمل بمنظور سهم گرفتن کامل مردم برای ساختمان و انکشاف مادی.

ماده چهارم: تامین دموکراسی متکی بر عدالت اجتماعی و منافع مردم تسجیل گردیده.

ماده هفتم: از ایجاد تحولات دوامدار، عمیق و بنیادی اقتصادی و اجتماعی بر اساسات و ارزشهای مندرج این قانون اساسی به منظور منافع اکثریت مردم افغانستان یاد شده.

ماده دهم: تأمین و تعمیم تعلیمات ابتدائی اجباری، توسعه و رشد تعلیمات ثانوی عمومی، مسلکی و عالی به صورت مجانی بمنظور پرورش و اکمال کادرهای علمی و فنی جهت خدمت بمردم.

در فصل دوم اساسات اقتصادی از مواد (۱۳ - ۱۹) تسجیل گردیده.

طبق ماده سیزدهم: منابع از قبیل معادن، جنگلات و انرژی، صنایع بزرگ، مخابرات، تاسیسات مهم ترانسپورت هوایی و زمینی، بنادر، بانکها، بیمه ها، تاسیسات مهم تهیه ارزاق، آثار باستانی جزدارای ملت و اداره آن به دولت تعلق دارد.

ماده پانزدهم : ملکیت و تشبثات خصوصی متکی بر اصل عدم استثمار طبق قانون تعریف شده.

ماده هفدهم: سرمایه گذاریها و تشبثات خصوصی در ساحه صنایع متوسط، کوچک و دستی مطابق به احکام قانون تشویق، حمایه و رهنمائی میشود.

ماده هژدهم : تجارت کشور بشکل تجارت رهبری شده بروی منافع اکثریت مردم، طبق احکام قانون تسجیل شد.

. در فصل سوم که از مواد (۲۰ الی ۲۶) دولت، حاکمیت ملی، زبانهای رسمی، بیرق، قوای مسلح و سیستم اصل مرکزیت را در دولت بیان داشته، دو نکته قابل دقت بیشتر میباشد: - اینکه طبق ماده بیست و یکم هدف از ایجاد تفرقه و دامن زدن به اختلافات قومی و ملیتی مطرح نبود: (بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق میگردد). و نکته دوم اینکه طبق ماده بیست و دوم : (دین افغانستان، دین مقدس اسلام است)، دولت مردان عقیده و افکار پارچه نمودن دین اسلام و برتری یک مذهب بر مذهب دیگر را نداشتند.

. در فصل چهارم قانون حقوق و وجایب اتباع کشور از مواد (۲۷ الی ۴۷) طبق پرنسیپهای قبول شده با رعایت بعضی مواد اعلامیه حقوق بشر، آزادی فکرو بیان و عدم تعرض به آن در محدوده قانون تسجیل گردیده، اما ماده (۴۰) این قانون مشعر است که : برای انعکاس خواسته های اجتماعی و تربیت سیاسی مردم افغانستان تا زمانیکه این آرزوها برآورده شود و به رشد طبیعی خود برسد، سیستم یک حزبی در کشور بر رهبری انقلاب ملی که بانی و پیشآهنگ انقلاب مردمی (۲۶ سرطان ۱۳۵۲ هجری شمسی) مردم افغانستان است برقرار خواهد بود.

با نظر داشت عقیده و برداشت محمد داود از جامعه افغانی که در ابتداء توضیح نمودم، روحیه این ماده قانون در تضاد با روحیه اعلامیه حقوق بشر میباشد. اما فقره دوم ماده (۳۲) قانون اساسی (۱۳۴۳ هجری شمسی) ظاهر شاه که اجازه تاسیس جمعیتها و احزاب را طبق قانون به اتباع افغانستان داده شده بود. بهمین شکل ماده (۴۶) قانون متذکره یک سلسله وظایف و مکلفیتها را بدوش هموطنانما گذاشته بود، که در مخالفت با آزادی عقیده بود که : پیروی از احکام قانون اساسی، وفا داری به اهداف انقلاب (۲۶ سرطان ۱۳۵۲ هجری شمسی) و نظام جمهوری، احترام به رئیس جمهور، اطاعت به قوانین، رعایت نظم و امن عامه، صیانت منافع وطن و اشتراک در حیات ملی وظیفه تمام مردم افغانستان است.

همین محدودیت در ماده (۴۷) قانون نیز تاکید شده .

. در فصول پنجم و ششم شورای ملی تحت نام ملی جرگه و لویه جرگه از مواد (۴۸ الی ۷۴) توضیح شده است.

ماده چهل و هشتم: ملی جرگه افغانستان مظهر اراده مردم آنست و از قاطبه ملت نمایندگی میکند.

ماده چهل و نهم: اعضای ملی جرگه که پنجاه فیصد آنرا دهقانان و کارگران تشکیل میدهد از جانب حزب پیشنهاد و از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم مطابق به احکام قانون برای مدت چهار سال از طرف مردم انتخاب میشوند. باین منظور افغانستان به حوزه های انتخاباتی تقسیم میگردد. تعداد و ساحه حوزه ها توسط قانون تعیین میشود. لویه جرگه ماده شصت و پنجم:

دراغانستان لویه جرگه عالیترین مظهر قدرت و اراده مردم آنست.

لویه جرگه مرکب است از: اعضای ملی جرگه، اعضای شورای مرکزی حزب، اعضای حکومت و شورای عالی قوای مسلح، اعضای ستره محکمه، پنج الی هشت نفر نماینده از هر ولایت و سی نفر از اعضای بوسیله فرمان از طرف رئیس جمهور تعیین میشوند. ماده شصت و هشتم: لویه جرگه مطابق به احکام این قانون اساسی توسط فرمان رئیس جمهور دایر میشود. رئیس جمهور رئیس لویه جرگه میباشد. در فصل هفتم رئیس جمهور و صلاحیتهایش از مواد (۷۵ الی ۸۷) تسجیل شده است. اما حکم ماده (۷۵) قانون که مشعر است (رئیس جمهور در راس دولت افغانستان قرار داشته و وظایف قوه اجرائیه و حزبی را که مطابق احکام این قانون و اساسنامه حزب مستقیماً به عهده دارد و توسط اورگانهای مربوطه اداره و رهبری میگردد). این ماده قانون، دموکراسی را خدشه نموده که با ماده چهارم این قانون در تضاد میباشد. در فصول هشتم الی سیزدهم که شامل حکومت و صلاحیتهایش، اورگان قضا و صلاحیتهای آن، حالت اضطرار، تعدیل قانون اساسی و احکام انتقالی از مواد (۸۸ الی ۱۳۸) تسجیل یافته. اما اورگان نظارت کننده قانون در قانون اساسی متذکره معلوم نمیشود. تنها در ماده (۱۰۶) قانون وظیفه تحقیق، تعقیب و اقامه دعوی توسط خارنوالی که جز قوه اجرائیه دانسته شده، تسجیل گردیده بود.

طوریکه فوقاً متذکر شدم، هدف محمد داود رشد و انکشاف افغانستان و ارتقاع سطح دانش و زنده گی هموطنانش بود، با آنکه بعضی عملکردها موصوف و مواد قانون اساسی در تضاد با آزادیها و بعضی مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر بود. قدمهای مثمر در جهت اعمار کشور، بهبود زنده گی مردم و استقلال کشور برداشت. چنانچه محمد داود جهت رشد و انکشاف ضایع و سایر عرصه های اقتصادی روابط پیشینه را با اتحاد شوروی درهمه سطوح گسترش داد.

در آن زمان بیشترین دادوستد اقتصادی، تجارتي، نظامی و فرهنگی را داشت. چنانچه دادوستد تجاری بین دو کشور از سال (۱۹۷۰ الی ۱۹۷۹ میلادی) به شش برابر افزایش یافت. چون افکار محمد داود در جهت استقلال فکری خودش و وطنش بود، با وجود همه کمک های اقتصادی فوق الذکر اتحاد شوروی، در سفر ماه (حمل ۱۳۵۶ هجری شمسی) به شوروی، ضمن مذاکرات رسمی، نحوه برخورد مداخله گرانه بریژنف رهبر شوروی، سبب

برافروختگی او شده و با آزردگی و بی نتیجه به افغانستان برگشت. اقدام به تغییر سیاست در عرصه های داخلی و خارجی کشور نمود. در قدم اول وزرای وابسته به احزاب چپی را از کابینه خارج کرد. اما نظامیان فعال در اردو به وظایف خویش ادامه دادند. سیاست خارجی افغانستان که بر اصل بیطرفی، عدم مداخله به امور سایر کشورها و اراده اعمار افغانستان بود، ناگزیر شد تا امید به سایر کشورها نماید با نظر داشت نیاز افغانستان و وضع ناهنجار جنگ سرد که طرفین قیود و شروط بخصوص داشتند، کمک لازم بدست آورد. اقدام شاه ایران و هنری کیسنجر را در زمینه کمک مالی پذیرفت. و تطبیق پلانی اصلاحی از جمله اصلاحات ارضی را به تعویق انداخت.

کشورهای عربی و ایران وعده کمک و قرضه ها، از جمله وعده کمک دو میلیارد دالری شاه ایران بمنظور تمویل کارپروژه هایکه در نظر داشت، و پاسخ مثبت دریافت قرضه از بانک انکشاف آسیایی و بانک جهانی، محمد داود را در تطبیق اهدافش مغرور تر ساخت. جهت تحقق اهداف خویش، تصمیم به تاسیس حزب غورزنگ ملی برهبری خودش گرفت. با دایر نمودن لویه جرگه (دلو سال ۱۳۵۵ هجری شمسی)، تصویب قانون اساسی جدید، انتخابش به مقام ریاست جمهوری، نیت و گام اصلی خود را برای زمامداری در افغانستان تحقق بخشید. و حالت فوق العاده حکومت نظامی را بعد از سه سال پایان داد. پیرامون جمهوریت و شخص محمد داود، صاحب نظران برداشتهای مختلف دارند، بعضیها معتقد اند که در عملکرد محمد داود "استبداد منور" بملاحظه میرسد. به این دلیل، با وجود اینکه او شخص مستبد و دیکتاتوری بود، مگر برای ترقی افغانستان می اندیشید و بر مبنای این اصل او به سایر اشخاص به دلیل عقب ماندگی اجتماعی موقع مداخله و انتقاد در امور حکومت را نمیداد. لذا شیوه کار و طنپرستانه او در تعمیم و تحقق بخشی از اصلاحات قابل ستایش میباشد. چنانچه جناب عبدالصمد غوث در کتاب سقوط سلطنت درباره شخصیت و عملکردهای سردار محمد داود در جهت منافع مردم و انکشاف افغانستان بصورت دقیق و همه جانبه تحریر داشته است.

ادامه دارد